

باسمه تعالی

شرائط توبه در آیه ۱۷ نساء با عنایت به آیه ۱۸ همین سوره

با مطالعه آیه ۱۷ نساء یعنی «إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» ممکن است این ظهور بدوی برای مخاطب رخ دهد که شرط پذیرش توبه از گناهان آن است که دو شرط توأمان داشته باشد:

۱. آن گناه از روی «جهالت» انجام شده باشد لذا اگر گنهکار، عالماً عامداً به گناهی آلوده شد دیگر «توبه علی الله» ندارد یعنی بر خدا لازم نیست که توبه اش را بپذیرد.

۲. از زمان انجام آن گناه هم زمان زیادی نگذشته باشد بلکه خیلی زود توبه کند (مثلاً آن گناه مربوط به چند روز گذشته باشد) لذا گناهی که مربوط به سال قبل یا سال ها قبل باشد دیگر «توبه علی الله» ندارد.

باید دقت کرد که این ظهور بدوی با کمک آیه ۱۸ نساء شکسته می شود: «وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّى إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ وَلَا الَّذِينَ يُمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا».

بیان مسأله مفصل است و در تفاسیر به آن پرداخته شده است. در این مقاله کوتاه تلاش می شود تا با کوتاه ترین عبارات، تبیین شود:

۱. در آیه ۱۷ فرمود که شرط انحصاری (انما التوبه...) برای آنکه «توبه علی الله» واقع شود دو قید است: اول

آنکه آن معصیت «بجهالة» واقع شود و دوم آنکه «توبه از آن در زمانی نزدیک» باشد.

۲. آیه ۱۸ در مقام تفسیر آیه ۱۷ است لذا می فرماید: «توبه علی الله» برای کسانی نیست که توبه را تا رسیدن

نشانه های قطعی مرگ به تأخیر اندازند (مثل فرعون: آیات ۹۰ تا ۹۲ یونس را بخوانید).

۳. اگر ظهور بدوی در آیه ۱۷ صحیح بود جا داشت که در آیه ۱۸ که در مقام تفسیر آیه ۱۷ است بفرماید:

توبه از دو گروه قبول نیست: اول آنها که گناه را عالماً عامداً انجام داده اند؛ ثانیاً آنها که مثلاً سال بعد از

گناه سال گذشته توبه می کنند. اما چنین نفرمود و اساساً هیچ اشاره ای به دسته اول نکرد و دسته دوم را

هم به «لحظه مرگ» مقید کرد. از همین جا دو امر مهم روشن می شود:

الف. قید «بجهالة» در آیه ۱۷ قید «توضیحی» است نه «احترازی» یعنی هرکس ولو عالماً عامداً گناه می کند، گناهِش از روی جهالت است؛ چراکه همین گستاخی در برابر ربّ العالمین، خود نشانه بالاترین «جهل عملی» است.

ب. مراد از «یتوبون من قریب» همان مدت عمر دنیاست که از منظر قرآن زمانی است بسیار کوتاه. لذا برای تشویق گنهکار به اینکه هرچه سریع تر توبه کند، این مدت زمان را «کم» شمرد.

توجه به نکات ذیل می تواند در تکمیل این بحث، یاریگر باشد:

۱. سوره نساء در سال چهارم مدینه نازل شده است و برای مؤمنان عصر نزول قرآن کریم شکی نبود که خدای رحمان و رحیم، توبه را از هرکسی ولو اینکه سال ها در کفر و شرک غوطه ور بوده باشد می پذیرد. این امر در آیات متعددی از قرآن کریم بیان شده و سیره مستمره رسول خدا ص و ائمه هدی ع بر این بوده است که همگان را به توبه دعوت می نمودند بلکه «قنوط من رحمۃ الله» را به عنوان دومین گناه کبیره (بعد از «شرک») در روایات مرتبط با این موضوع برشمرده اند. لذا با وجود آیات فراوان قرآن درباره توبه (که به نحو مطلق یا عموم است و قیدی ندارد) و نیز سیره مستمره معصومین ع، جای شکی نیست که «بجهالة» قید توضیحی است و «من قریب» هم یعنی «قبل از آشکار شدن نشانه های قطعی مرگ که فرصت توبه تمام شده است». لذا هیچیک از فقهای عظام نیز شرط تحقیق و پذیرش توبه را «یعملون السوء بجهالة» یا «یتوبون من قریب» ندانسته اند، بلکه «ندامت از گناه گذشته و قصد جدی بر ترک آن در آینده» را مقوم توبه دانسته اند. حتی شرائط شش گانه استغفار و توبه که در نهج البلاغه ذکر شده را حمل بر «کمال توبه» نموده اند نه «تحقق توبه».

۲. جهل گاه در مقابل «علم» است و گاه در مقابل «عقل» و در آیه ۱۷ نساء در مقابل «عقل» است.

در قرآن کریم و روایات و لغت عرب، «جهل» گاه در مقابل «عقل» است و گاه در مقابل «علم»

جهل در مقابل عقل

- نساء، ۱۷ و موارد مشابه فراوان دیگر: إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ
- یوسف، ۳۳: قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ
- فرقان، ۶۳: وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا
- خطابشان جاهلانه و خلاف عقل است.
- بقره، ۶۷: قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوءًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ

• در روایات هم که فراوان داریم که «جهل» در مقابل «عقل» آمده مثل این روایت رضوی ع: «صديقٌ كلُّ امرئٍ عقله و عدوه جهله» (الكافی، ۱، ۱۱) و روایات فراوان «كتاب العقل و الجهل» در کافی.

جهل در مقابل علم

• بقره، ۲۷۳: يَحْسِبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنَاءَ مِنَ التَّعَقُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ
• حجرات، ۶: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ

• در روایات هم که فراوان داریم که «جهل» در مقابل «علم» آمده مثل برخی روایات در «كتاب فضل علم کافی»: امام صادق ع: «يُغْفَرُ لِلْجَاهِلِ سَبْعُونَ ذَنْبًا قَبْلَ أَنْ يُغْفَرَ لِلْعَالِمِ ذَنْبٌ وَاحِدٌ» (الكافی، ۱، ۴۷).

طبیعی است که اگر مطالعه این مختصر، رفع مشکل نشود، باید به تفاسیر مفصل تری چون «المیزان و تسنیم» مراجعه نمود.

۲۴ تیر ۹۸

روح الله راسل

طلبه حوزه علمیه قم